

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الَّذِي أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ عَوْنًا
وَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَنَّا
وَعَنَآئِنَا نَارًا



دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته : فلسفه اخلاق

دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه : اخلاق

عنوان پایان نامه:

رابطه دین و اخلاق از دیدگاه بارکلی و غزالی

پژوهشگر: سهیل عمید

استاد راهنما : دکتر سیدعلی علم الهدی

استاد مشاور: دکتر علیرضا اژدر

بهمن سال ۱۳۹۰

تقديم به:

تقديم به او

سپاس:

سپاس فراوان خداوند عز و جل را، که توفیق و امکان ادامه تحصیل اینجانب را فراهم آورد.

و با عرض تشکر و تقدیر از استاد راهنمایم، جناب آقای دکتر سید علی علم الهدی ، و استاد مشاورم جناب آقای دکتر علیرضا اژدر که در طول تدوین پایان نامه، مرا راهنمایی و هدایت نمودند.

و عرض ادب و سپاس فراوان از خانواده ام، خصوصاً پدر بزرگوارم، که با مساعدتهای معنوی و مالی خود همواره مرا یاری نموده است.

و ضمن تشکر و قدر دانی از دوستانی که در گروه همکاری لازم را با اینجانب داشته اند صمیمانه تشکر می نمایم.

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی رابطه دین و اخلاق میان فلسفه بارکلی و فلسفه غزالی پرداخته است. غزالی به عنوان اندیشمند اشعری مسلک با ملاک حسن و قبح فعل اختیاری انسان را مطابق با فرامین الهی می‌شمارد و قائل به حسن و قبح شرعی است، اعتقاد غزالی بر اینست که اخلاق گرای دینی است نه دنیوی.

بارکلی بر این باور است که مبانی اخلاقی از دیانت متمایز و جدا نمی‌باشد و اخلاق و دیانت به هم وابستگی و پیوستگی دارند. بارکلی معتقد است که می‌توان اخلاق را همچون ریاضیات برهانی و قاعده مند نمود. او رد نظریه حس اخلاقی را اظهار نمود و عامل عقل و نقش ارزنده آن در زندگی اخلاقی را تاکید کرد. بارکلی برای رهانیدن یا بازگردانیدن اصول و مبانی رویکرد دینی و نجات جهان بینی و سپس خود دین در تلاش بوده است. او قائل به جوهر مادی نیست زیرا باعث تباهی اخلاق انسان می‌شود. یکی از شباهت های بارکلی و غزالی در تلاش برای زنده کردن مفاهیم دینی و برگشت تعقل و فلسفه به روش غیرمادی و دینی می‌باشد. بارکلی و غزالی در حسن و قبح با هم اختلاف نظر دارند، بارکلی معتقد بود چون حسن و قبح ذاتی است و با عقل قابل تشخیص و عقلانی است و در افعال انسانی فاعل بلاواسطه را خود انسان می‌داند و لذا بر این باور است که گناهکار مستحق کیفر است و اراده الهی در طول اراده ی انسانی است.

کلید واژگان: اخلاق، دین، غزالی، بارکلی، حسن و قبح

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	سوالات تحقیق
۳	هدف و ضرورت تحقیق
۳	تعریف مساله:
۴	سابقه و ضرورت انجام تحقیق:
۴	فرضیه ها:
۴	جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق:
۵	هدف ها:
فصل اول : تعاریف و تاریخچه تحقیق	
۷	تعریف واژه اخلاق:
۷	تعریف علم اخلاق:
۱۰	اهمیت اخلاق در اسلام:
۱۱	کارای اخلاق اسلامی:
۱۷	اخلاق و نسبت آن با دین در سنت غربی:

افلاطون ۱۷

ارسطو ۲۰

قرون وسطی ۲۰

اخلاق دکارتی ۲۱

اراده‌ی آزاد در اسپینوزا و لایب‌نیتز ۲۴

نیچه و مرگ اخلاق ۳۵

فصل دوم: رابطه دین و اخلاق از دیدگاه امام محمد غزالی

مقدمه ۴۰

سری‌ی از زندگانی امام محمد غزالی ۴۰

برخی از آثار مکتوب غزالی ۴۲

بررسی آراء و شخصیت غزالی ۴۲

رسمیت و مقبولیت دینی تصوف به واسطه غزالی در میان اهل سنت ۴۳

برگانه‌های فکری غزالی ۴۴

ملاکهای اشاعره برای حسن و قبح شرعی ۴۷

مخالفت با فلسفه ۴۹

مخالفت با متکلمان ۵۵

انسان از دیدگاه غزالی..... ۵۷

نظام اخلاقی غزالی..... ۵۸

جایگاه عقل در اخلاق از نظر غزالی..... ۶۱

جایگاه اخلاق در اندیشه غزالی:..... ۶۶

اخلاق فلسفی..... ۷۰

اخلاق دینی..... ۷۰

اخلاق عرفانی..... ۷۱

حسن و قبح از نظر غزالی..... ۷۲

اشکالات غزالی به حسن و قبح ذاتی..... ۷۵

سبب انکار حسن و قبح عقلی توسط غزالی..... ۷۶

دینی از دیدگاه غزالی..... ۷۸

رابطه دینی و اخلاق از نظر غزالی..... ۸۲

فصل سوم: رابطه ی دین و اخلاق از نظر بارکلی

مقدمه..... ۸۹

سری از زندگی و شخصیت بارکلی..... ۹۰

آثار فلسفی بارکلی..... ۹۰

۹۱	انتقاد بارکلی بر فلسفه نوتن
۹۴	برخیها فکری بارکلی
۹۴	تجربه گرایی بارکلی
۹۶	آرامانگرایی بارکلی
۹۷	فلسفه در نظر بارکلی
۱۰۱	ایده آلیسم بارکلی
۱۰۲	نظر بارکلی در مورد عالم وجود
۱۰۵	منشأ تصورات در انسان یا علیت در مورد خدا و انسان
۱۰۸	علیت در میان تصورات یا دلالت (علیت در خارج)
۱۱۵	نظر بارکلی در مورد اخلاق
۱۱۹	جایگاه عقل در اندیشه بارکلی
۱۲۳	دینی و دین‌گاه بارکلی
۱۲۴	رابطه دینی و اخلاق از دین‌گاه بارکلی
فصل چهارم: مقایسه آراء غزالی و بارکلی نتیجه‌گیری	
۱۲۷	مقدمه
۱۲۹	بررسی ملاک حسن و قبح اخلاقی مکن غزالی و بارکلی

۱۳۱ علقت در دوره ی مدرن

۱۳۴ تفاوت سنت فکری بارکلی و غزالی

۱۳۶ سخن نهایی

۱۳۸ منابع و ماخذ

مقدمه

شناخت راه کمال و سعادت آدمی و طرح مباحث اخلاقی همواره اندیشمندان تاریخ را به فکر و تأمل واداشته است و حاصل آن ارائه صدها نظریه و دیدگاه به منظور رسیدن به کمال در ابعاد مختلف زندگی بشری بوده است.

در مکتب حیات بخش اسلام نیز مسئله اخلاق و تهذیب نفس مهمترین هدف بعثت انبیاء شمرده شده است.^۱ در روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص) نیز مسئله اخلاق به عنوان هدف اصلی بعثت ذکر شده است.

نوشتار حاضر که به پژوهش در رابطه دین و اخلاق از دیدگاه امام محمد غزالی و بارکلی اختصاص دارد از نظر معرفت شناختی به فلسفه اخلاق متعلق است فلسفه اخلاق در مغرب زمین دانشی وسیعی است که به نقد و تحلیل آموزه های مکاتب مختلف اخلاقی و باز نمودن (سره) از (ناسره) آنها می پردازد و سرچشمه های چه باید کرد و چه نباید کرد را که اسکلت هر گونه مکتب اخلاقی را می سازد از سر نقادی تمیز باز می نماید.

در فرهنگ اسلامی نیز هر چند این دانش آن چنان که مناسب و لازم است رشد نکرده ولی بحث های طولانی اشعریان و معتزلیان بر سر حسن و قبح عقلی و شرعی از نمونه های بسیار بارز این گونه کاوش های فیلسوفانه در اخلاق است البته در فرهنگ اسلامی فلسفه اخلاق و رابطه اخلاق و دین که بخشی از آن است به آن نحو و شکلی که در مغرب زمین بحث می شود و دارای مکاتب مختلف در این قلمرو

^۱ - علیکم بکارم الاخلاق فان... عزو جل بعثتی بها (مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۸۳).

هستند، نیست در فلسفه اخلاق سخن بر سر این است که اخلاق را بر چه پایه باید بنا کرد خوب و بد،

فضیلت و رذیلت ریشه در کجا دارند و معیار سنجش آنها چیست و کدام است؟

ارزشها از چه سرچشمه هایی بر می خیزند و ثبات و تغییر آنها وابسته به چیست؟

رابطه اخلاق و دین چگونه است؟

سوالات تحقیق

سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

۱) آیا دین با اخلاق ارتباطی دارد یا خیر؟ دیدگاه بارکلی و غزالی در این مورد چیست؟

۲) تاثیر دین در اخلاق چگونه است و بررسی نظر دو اندیشمند در این زمینه؟

۳) آیا فرد دیندار با اخلاق است یا خیر نظر دو اندیشمند در این رابطه چیست؟

و سوالات فرعی عبارتند از :

الف) آیا اخلاق برای بسط خود نیازمند دین است یا نه؟

ب) آیا دین در تکوین سرچشمه های اخلاق نقش دارد یا نه؟

ت) آیا دین در توصیف و تبیین اصول و قواعد اخلاقی نقش دارد یا نه؟

ث) آیا دین در تعیین مصادیق اخلاقی نقش دارد یا نه؟

هدف و ضرورت تحقیق

در دنیای امروز انسانها به تدریج از گرایش ها و اصول اخلاقی فاصله گرفته و به اصطلاح ارزشها و احکام پسندیده ی اخلاقی رو به انحطاط دارند از این رو ضروری است، راه و شیوه های نوین برای ارائه نظریات و اندیشه های اخلاقی و شیوه ای برای دوام و بقاء ارزشهای اخلاقی بیابیم. از طرف دیگر اخلاق چیزی نیست که به صورت شخصی باشد و روابط فرد با خود و دیگران را شامل شود بلکه باید گفت که اخلاق در هر زمان و مکانی لازم است و کاربرد دارد. در سیاست، آموزش و پرورش، ورزش، اینترنت، حتی در رابطه با خود و... پس باید به صورت جدی و اساسی به این مهم پرداخته شود. امروزه متفکران فراوانی معتقدند که در عصر علم و تکنولوژی دین یا هیچ نقش و کاربردی ندارد یا نقش و کاربرد منفی و نامطلوب دارد و به هر حال تقدیر دور انداختنی است اما تقریبا هیچ متفکری نیست که بر شان و منزلت اخلاق وقوف نداشته و یا به اهمیت آن پی نبرده باشد حال اگر بتوان نشان داد که اخلاق در توصیف و تعیین مصادیق خود به دین نیازمند است یا به عبارتی ارتباط دین با اخلاق چنان است که از میدان به در بردن یکی موجب از دست رفتن دیگری است. قضیه فرق کرده و رابطه اخلاق و دین جدا قابل اعتنا می شود.

تعریف مساله:

بحث و ارتباط دین و اخلاق از دیر باز فکر و ذهن اندیشمندان مختلف را به خود مشغول نموده است که ما در این تحقیق برآن هستیم که ابتدا به بررسی دین با اخلاق و سپس مقایسه ارتباط بین این دو مقوله از نظر دو اندیشمند بزرگ غزالی و بارکلی بپردازیم.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

یکی از مسائلی که دیر باز مورد توجه اندیشمندان و متفکران جهان قرار گرفته است بحث تبیین و توصیف دین و اخلاق است و رابطه بین این دو بوده و دیدگاه بارکلی و غزالی در این مورد می باشد و سابقه در این مورد یافت نشده است که مختص به این موضوع باشد و به تنهایی در مورد غزالی بکار رفته است.

فرضیه ها:

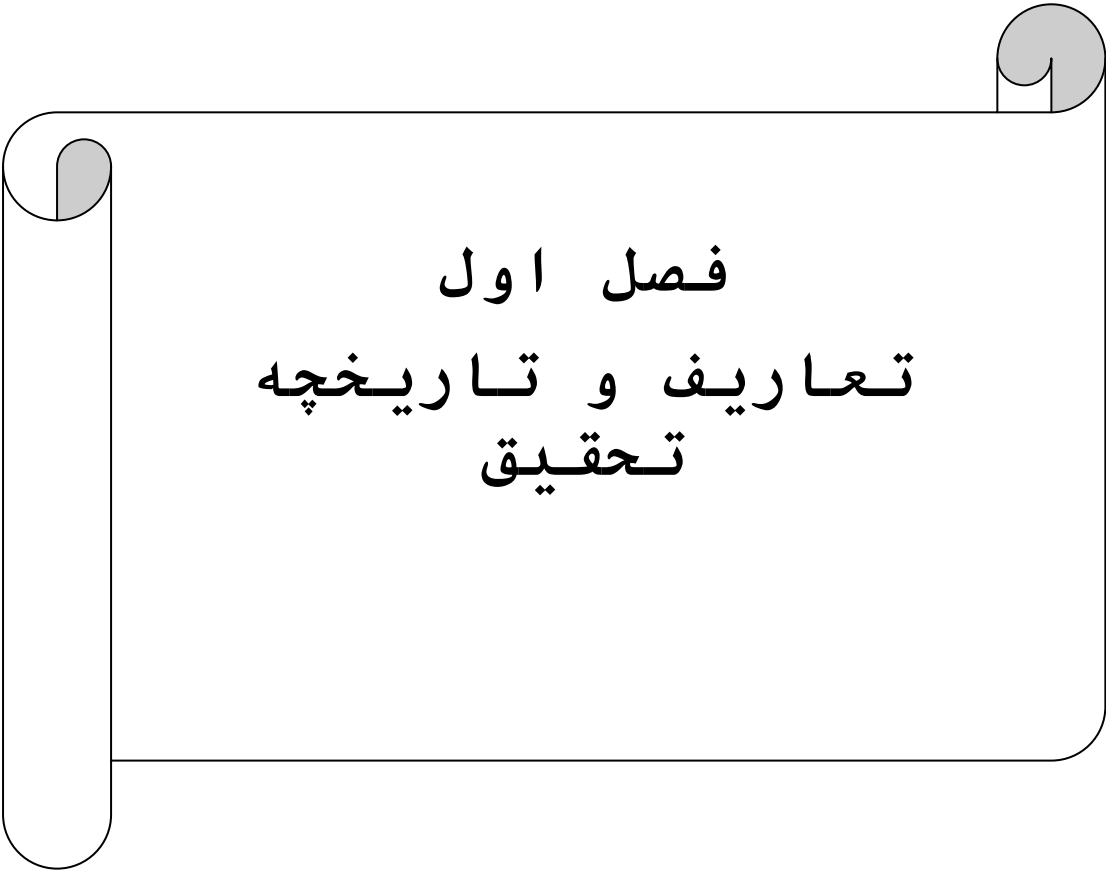
غزالی معتقد است که دین هم در تعیین و توصیف و هم در تعیین مصداق اخلاق نقش بنیادی دارد. بارکلی بر این باور است که اخلاق و دین به هم وابستگی و پیوستگی دارند و مبانی اخلاق و دین از هم جدا و متمایز نمی باشند.

جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق:

با توجه به اینکه بارکلی از فیلسوفان تجربه گراست و دغدغه های دینی قابل توجهی دارد و غزالی به لحاظ معرفت شناختی دارای مبانی تجربه گرایی می باشد و اندیشمند دینی تلقی می شود. در بحث رابطه دین و اخلاق دارای مبانی فلسفی مشترکی هستند. این تحقیق در صدد است با نشان دادن این اشتراکات مشخص نماید که آیا دیدگاه بارکلی در حوزه اخلاق به لحاظ منطقی همان نظریه امر الهی است یا می توان گرایش دیگری را در حوزه اخلاق به وی نسبت داد؟

هدف ها:

هدف ما از انجام این تحقیق اثبات این نکته است که اصول اخلاقی بر فعالیتهای زندگی بشر نقش مستقیم دارد و نمی توان اصول اخلاقی را تنها با کمک عقل و پدیده های طبیعی درک کرد لذا برای درک اصول اخلاقی و تعیین مصداق آن نیازمند دین هستیم.



فصل اول
تعاريف و تاريخچه
تحقيق

تعریف واژه اخلاق:

ریشهی واژهی اخلاق، واژهی خُلُق است. «خلق در لغت به معنی صفت پایدار و راسخ یعنی ملکه است و اخلاق به مجموعه این گونه صفات اطلاق می شود. بنابراین هر گاه صفتی برای شخصی به صورت پایدار در آمد و در او رسوخ نموده باشد، به صورتی که کارهای متناسب با آنرا بدون تامل زیاد و سهولت انجام دهد گویند آن صفت برای او ملکه و خلق است و این ممکن است در اثر تکرار عمل پیدا شود و یا ذاتی بوده و زمینه های فطری و ارثی داشته است.»^۱ اصطلاح اخلاق در سه معنای متفاوت به کار برده میشود: گاهی اخلاق به صفت نفسانی پایدار و ملکات نفسانی اشاره دارد، این معنی اصطلاح اخلاق برگرفته از معنی لغوی و ریشهی واژهی اخلاق است. در معنی دوم اخلاق اشاره به صفات ناپایدار و زودگذر نفسانی یا همان «احوال» دارد. در معنی سوم واژهی اخلاق دلالت بر صفات و ملکات و همچنین احوال پسندیده و ممدوحه دارد.

تعریف علم اخلاق

تا کنون برای علم اخلاق تعاریف متعددی ارائه شده است، که تا حد زیادی به یکدیگر شباهت دارند. برخی از تعاریف مهم علم اخلاق عبارتند از: علم اخلاق «علمی است که از ملکات انسانی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست صحبت می کند، و او را به فضایل و رذایل اخلاقی آشنا می سازد تا بتواند صفات فاضله را کسب کرده و از رذایل پرهیز نماید.»^۲ و یا اینکه علم اخلاق، «علمی است که

^۱ مصباح، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق، چاپ سوم، انتشارات موسسه اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۹.

^۲ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج اول، چاپ دوم، ترجمه ناصر، مکارم شیرازی، نشر بنیاد علمی علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ص ۵۲۳.

از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان دارد، و از کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله بحث می کند.^۱

در فلسفه اخلاق نیز قضایا و مفاهیم اخلاقی مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار می گیرند.^۲ از تعاریف فوقالذکر روشن است که علم اخلاق با افعال اختیاری انسان سر و کار دارد، و آزادی اراده بشری را در بعضی از افعال خود، پیشفرض می گیرد. در حقیقت انسان در زندگی خویش با موقعیتهای متعددی مواجه است که در آن میتواند اقدام به انجام یا ترک فعل خاصی کند. انجام یا ترک این افعال در سرنوشت انسان، یعنی سعادت و شقاوت او تاثیر انکارناشدنی دارد. بنابراین موضوع اصلی اخلاق سعادت و شقاوت انسانهاست؛ و این سعادت و شقاوت انسانها به خود آنها واگذار شده است: بدین صورت که انسانها با اختیار و اراده آزاد خود، شیوههای از زندگی و برخی افعال را برمیگزینند که عاقبت و سرانجام آنها را تعیین میکند.

حوزههای علم اخلاق

مباحث پیرامون اخلاق، معمولاً، در چهار حوزه ی عمده مورد مطالعه قرار می گیرند:

(۱) علم اخلاق توصیفی^۳: علمی که گزاره های اخلاقی را درباره ی یک قوم و ملت، درباره ی یک مکتب اخلاقی و نظام خاص، درباره ی یک گروه و صنف و یا درباره ی یک فرد خاص توصیف میکند و روش آن تجربی نقلی است که بر اساس سنخ مدعای تجربی بودن یا نقلی بودن فرق دارد؛ مثلاً بیان میکند که ربا در اسلام حرام است یا خودسوزی زن برای شوهر در نزد برخی از اقوام هند ممدوح است.

^۱ مصباح، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق، چاپ سوم، انتشارات موسسه اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۰.

^۲ غروریان، محسن، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، انتشارات موسسه فرهنگی زمین، ص ۱۷ و ۱۸.

^۳ - Descriptive Morality

۲) علم اخلاق هنجاری^۱: علمی که گزاره های اخلاقی را بدون انتساب به قومی یا فردی و یا مکتبی بیان

میکند؛ مثلاً «دروغ بد است.» یا «احسان به زیر دست خوب است.»

۳) علم پداگوژی یا علم تعلیم و تربیت^۲: این دانش به ارائه روشها میپردازد. فرض کنیم که در اخلاق

هنجاری گفتیم که «دروغ بد است.» در این دانش بحث میکنیم که چگونه فرد مبتلا به دروغگویی را

معالجه کنیم. (کاربرد واژه پداگوژی که به معنای علم تربیت اخلاقی و به معنایی اعم از تربیت اخلاقی

که حتی تربیت بدنی را هم شامل میشود، مربوط به تاریخچه ی این واژه است که در گذشته به معنای

اول به کاررفته ولی امروزه کاربرد اعم آن رایج است.)^۴ فلسفه ی اخلاق^۳ یا فرا اخلاق^۴: این دانش

پیش فرض ها و مبادی تصویری و تصدیقی اخلاق هنجاری را مورد نقادی و بررسی قرار میدهد و در

واقع، پشتوانه ای نظری برای گزاره های اخلاقی فراهم میکند. برای مثال بحث از ماهیت «خوب و بد»،

«باید و نباید» و مفاهیم دیگر که در علم اخلاق واضح و روشن تلقی میشوند، برعهده ی این رشته از

اخلاق است. به طور کل در حوزه ی فلسفه ی اخلاق سعی بر آن است که امکاناتی برای یک تئوری

اخلاقی ارائه شود.^۵

در این رساله مراد ما از اخلاق یک فلسفه ی اخلاق یا همان فرا اخلاق میباشد. ما خواهیم کوشید تا

فلسفه ی اخلاق یا به عبارت بهتر دیدگاه غزالی و بارکلی را دربارهی فرا اخلاق نمایان سازیم و بررسی

کنیم که تا چه عهد دین در شکل دادن به این فرا اخلاقها نقش ایفا میکند.

¹ - Pedagogy

² - Normative Morality

³ - Analytic morality

⁴ Meta morality

⁵ نک: نودری، محمود، «پرسش و پاسخ رابطه اخلاق و تربیت چگونه است؟» فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۵، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

پیش از پرداختن به اخلاق و دین در اندیشه ی بارکلی و غزالی لازم است که نسبت اخلاق و دین را در سنت اسلامی و غربی تا حدی شرح دهیم؛ تا با توجه به این سنتها جایگاه درست و مناسب هر یک از این دو متفکر را بشناسیم.

اهمیت اخلاق در اسلام

اخلاق در جهان اسلام یک اخلاق سراسر دینی بوده است. تا جایی که به سختی میتوان گفت که در میان متفکران جهان اسلام اخلاق غیر دینی وجود داشته است. حتی معتزله که به حسن و قبح عقلانی معتقد بودند، اخلاق عقلانیشان را مستقل از دین تصور نمیکردند. چه اینکه آنها بر اساس آیات و روایات استدلال میکردند، فطرت عقلانی انسان، یا همان رسول باطنی که حسن و قبح را تشخیص می دهد به واسطه ی خدا در انسان به ودیعه گزارده شده است. میتوان مدعی شد که میزان توجه اسلام به اخلاق امکان و نیاز به هر گونه نظریه پردازی مستقل را دین را مرتفع کرده است. شاید بتوان گفت برجستهترین صفت دینی که به واسطه ی خاتم انبیاء، حضرت محمد(ص)، از جانب خدا بر بشریت نازل گشت، جامع و کامل بودن آن است. دین اسلام تمام جوانب زندگی انسانی، از زندگی دنیوی و مادی گرفته تا زندگی اخروی و معنوی و از زندگی فردی گرفته تا زندگی جمعی و اجتماعی، را مورد توجه قرار داده است؛ و تمام آنچه را بشر برای کامیابی و سعادت در تمام این ابعاد بدان نیازمند است به صورت واضح روشن کرده است. بر این اساس متناسب با اهمیتی که هر یک از حوزههای زندگی بشری داراست مورد توجه و تاکید اسلام قرار گرفته است. در این میان ساحت اخلاقی زندگی بشری از اهمیت خاص و ویژه ای برخوردار است. تا آنجا که حضرت رسول درباره ی رسالت خویش میفرماید: «بعثت